با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

لوله آب شهری در چهارراه قدس به حال خود رها شده است

حدود ۲ماه اســـت که لوله آب شهری داخل کوچه ربیع ۲۱ چهارراه قدس شکسته است و پس از هر بار گزارش، مسئولان آب و فاضلاب در محل حضور پیدا کرده‌اند اما آب همچنان جاری است و کسی هم پاسخگو نیســـت که در این شرایط بحرانی کم آبی چرا این میزان آب باید هدر برود.

یراحی از تهران

فاز ۷مسکن مهر هشتگرد هیچ امکانات زیرساختی ندارد

در فاز ۷شهر جدید هشـــتگرد در محدوده مسکن‌های مهر که بیش از ۱۰سال از تحویل اولیه آنها گذشته و عموماً خالی از سکنه هم هست کمترین امکانات زیرساختی و اجتماعی و رفاهی وجود دارد. این فاز فقط مسکن است و مسکن! آیا ساکنان مســـکن نان و راه و اتوبوس و مدرسه و مسجد و.... نمی‌خواهند. آیا نیاز به فروشـــگاه و مرکز بهداشت و دکتر و داروخانه و اورژانس و... ندارند؟ آیا درست است که حتی یک باجه عابر بانک در دل این همه مسکن انبوهی که ساخته شده نباشد؟ جا دارد مسئولان از این مناطق بازدید کرده و حداقل بخش‌هایی که جزو تعهدات ســـازندگان است را مشخص نمایند تا این مناطق قابل سکونت شوند.

عسگری از هشتگرد

پارک باباامان بجنورد سرویس بهداشتی مناسب ندارد

سرویس بهداشـــتی پارک بابا امان در شهر بجنورد وضعیت مناسبی ندارد و به‌دلیل مشکلات تاسیساتی مردان و بانوان از یک سرویس بهداشتی استفاده می‌کنند و بوی تعفن این سرویس‌ها ساکنان حاشـــیه این پارک را آزرده خاطر کرده است. پارک باباامان در محل توقف مسافران گذری است و از سوی شهروندان نیز همواره مورد استقبال است. اما نبود سرویس بهداشتی مناسب آن را تبدیل به پارکی نامناسب کرده است. لطفا تدبیری برای این معضل بشود.

سلطان‌زاده از بجنورد

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

قلع و قمع درختان ۳۰ ساله در میانه

قلع و قمع درختان پارک دانش در شهرســـتان میانه باعث آزردگی خاطر همه شـــهروندان شده اســـت. از مسئولان شهری تقاضا می‌شـــود دیگر اجازه چنین حوادث تلخی را ندهند و با کســـانی که عامل این قلع و قمع شدند برخورد جدی و قانونی کنند.

صومعه از میانه

تخلف از قوانین راهنمایی و رانندگی در فیلم‌ها و سریال‌ها نباشد

تخلف از قوانین راهنمایی و رانندگی در فیلم‌ها و سریال‌ها که تقریباً الگو به حساب می‌آیند، همچنان دیده می‌شود؛ بدون آنکه این دسته افراد بعد از تخلف‌هایی نظیر صحبت کردن با تلفن، راهنما نزدن هنگام گردش و توقف، عبور از چراغ قرمز و دیگر تخطی‌ها به‌عنوان متخلف معرفی شوند. پس کارکرد شورای نظارتی بر فیلم و سریال‌ها چیست؟

نوحی از تهران

سکوی قطار تهران-تبریز در شهرقدس صندلی و روشنایی ندارد

سکوی قطار اتوبوسی مسیر راه‌آهن تهران- تبریز (ریل باس تهران- قزوین - تاکستان) در شهرقدس (قلعه حسن‌خان) چه به ســـمت تبریز چه به ســـمت تهران فاقـــد صندلی و روشنایی است و مسافران این قطارهای حومه‌ای مجبورند تا رسیدن این قطارها ساعت‌ها روی سکو بایستند و اگر شب باشد در تاریکی سرپا باشند.

شریفی از شهریار

پخش همزمان یک برنامه از ۲شبکه چه معنایی دارد؟

آیا زیبنده صدا و سیماســـت که برنامه «چـــرا» هرروز در ســـاعت ۱۳ و ۳۰دقیقه به‌صورت همزمان از ۲ شـــبکه ۲و ۵پخش شود؟

نیشابوری از کرمانشاه

پیام
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

پول گندم کشاورزان را ندادند

بیش از یک‌ماه اســـت که پرداخت پول گندم کشاورزان به تعویق افتاده و این موضوع باعث شده چک‌های آنها برگشت بخورد؛ درحالی‌که قرار بود ۱۰روزه پول گندم‌ها را بدهند. کشاورز گرفتار چه باید بکند؟

یوسفی از استهبانات

صاحبخانه‌ها زیر بار قوانین دولت نمی‌روند

صاحبخانه ما بـــا دارا بودن چندین واحـــد آپارتمان و باغ درحالی‌که فرزند مجردی هم ندارد توانست حکم تخلیه بگیرد و من و همســـر و ۲فرزنـــد و مادرم را ســـرگردان کند. قبل از تخلیه ما هم خانه را اجاره داده و قرار اســـت ۱۰شهریور مستأجر جدید بیاید درحالی‌که ما راهی برای تهیه پول پیش بیشتر نداریم. چرا مســـئولان وعده‌ای را می‌دهند که نه نظارتی بر اجـــرای آن دارند و نه می‌توانند به آن عمل کنند؟

اوحدی از تهران

پاسخ مسئولان

سیستم روشـــنایی جاده امام رضا یک درمیان روشن است

روابط‌عمومی سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده کشور پیرو چاپ پیام مردمی با عنوان «تاریکی جاده امام رضا حدفاصل سیمان تا پاکدشت» در ســـتون با مردم روزنامه همشهری پاسخ داده است: ضمن سپاس از انعکاس دیدگاه‌ها و نقطه نظرات هموطنان و ظرفیت ایجاد شده برای پاسخگویی به مردم به استحضار می‌رساند: سیستم روشنایی محور مذکور بهسازی و اصلاح گردیده و هم‌اکنون به‌دلیل صرفه‌جویی در مصرف برق و براساس سیاســـت‌های ابلاغی کشور (وزارت نیرو) به‌صورت یک درمیان روشن است.

ناجی جوان که تاکنون جان افراد زیادی را در دریا نجات داده از لحظه‌های مرگ و زندگی می‌گوید

نجات جان مردم کسب‌وکار من است

داخلی

«چشـــمانش را ریز کرده و روی صورتش چین افتاده تا بهتر دریا را ببیند. مثل عقاب حواسش به همه‌جا هست. ناگهان از جایش بلند می‌شود. اول تردید دارد؛ اما وقتی خوب نگاه می‌کند می‌بیند پســـر جوانی که وسط دریا دست و پا می‌زند همانی اســـت که چند دقیقه قبل به او تذکر داده بود. بدون تلف کردن وقت به‌سوی دریا می‌دود تا شـــاید بتواند او را از مرگ نجات دهد.» این صحنه‌ای دلهره‌آور و در عین حال حیاتی است که ناجیان غریق بارها آن را تجربه کرده‌اند. همین چند روز قبل در ساحل فریدونکنار ۳جوان در حال غرق‌شدن بودند که یکی از ناجیان غریق هرچند توانست ۲نفر از آنها را نجات دهد؛ اما سومین نفر که روز تولدش بود در دریا غرق شد. حالا این ناجی در گفت‌وگو با همشهری از تجربه‌های تلخ و شیرینش می‌گوید.

به گزارش همشهری، روزهای گرم تابستان خبر غرق شدن افراد مختلف، به‌خصوص گردشـــگران در دریا، رودخانه‌ها و آبگیرها داغ‌تر از همیشه است. در همین روزهای اخیر افراد زیادی هنگام شنا در دریا جان خود را از دست داده‌اند. یکی از تلخ‌ترین نمونه‌های آن حادثه‌ای بود که چند روز قبل در فریدونکنار اتفاق افتاد. آن روز تولد پسری جوان بود و دوستانش می‌خواستند کنار دریا برایش جشن بگیرند. چون هنوز کیک تولد نرسیده بود آنها تصمیم گرفتند تا رسیدن کیک برای شنا وارد دریا شوند، اما هر ۳نفر دچار حادثه شدند. در این شرایط بود که یکی از ناجیان باسابقه به دل دریا زد و توانست ۲نفر از آنها را از مرگ نجات دهد؛ اما نفر سوم که آن روز، روز تولدش بود جانش را از دست داد.

نجات غریقی که توانســـت جان ۲پســـر جـــوان را نجـــات دهد مهدی اسماعیل‌پور نام دارد. ۳۷ســـاله و از ناجیان با سابقه هیأت غریق نجات استان مازندران است. او می‌گوید: از بچگی کنار دریا بودم و بزرگ شدم. گاهی با قایق کنار دریا کار می‌کردم و حالا سال‌هاســـت که نجات غریق و عضو هیأت نجات غریق مازندران هســـتم. او درباره اینکه چرا وارد این کار شده می‌گوید: این کار دائمی نیست. تابستان‌ها غریق نجات هستم و زمستان‌ها در بازار ماهی می‌فروشم. ناجی بودن برایم شغل نیست و بیشتر عشق است. عشق اینکه جان یک انسان را نجات دهم و خدا را شکر می‌کنم که تا به حال افرادِ زیادی را از مرگ نجات داده‌ام.

گردشگرانی که گوش شنوا ندارند

او در این سال‌ها با افراد زیادی در ســـاحل برخورد داشته است اما آنطور که خودش می‌گوید هنوز هم نمی‌داند با وجود هشدارهایی که ناجیان غریق به گردشگران می‌دهد، چرا باز آنها با جان خودشان بازی می‌کنند. او می‌گوید: آدم‌هایی که به دریا می‌آیند معمولا گوش شـــنوایی ندارند. همه‌شان فکر می‌کنند شنا کردن‌شان خوب است و حادثه‌ای برای‌شان اتفاق نمی‌افتد و حوادث برای بقیه است. برای بعضی از افراد هرچه سوت می‌زنیم و خواهش می‌کنیم که وارد بخش‌های خطرناک دریا نشـــوند، گوش‌شان بدهکار نیست. فریدونکنار حدود ۸کیلومتر ساحل دارد اما در این ساحل گسترده در تمام شیفت‌ها فقط ۴۰نفر ناجی هستند و کنترل گردشگران کار سختی است. وقتی آنها با ما همکاری نکنند هم این کار سخت‌تر می‌شود و دیگر کاری از دست هیچ‌کس ساخته نیست.

او ادامـــه می‌دهد: همیـــن چند روز قبل کنار ســـاحل نشســـته بودم و گردشگران را می‌پاییدم که ۳پسر جوان را دیدم. برای یکی از روستاهای اطراف فریدونکنار بودند. ظاهرا تولد یکی از آنها بود و آمده بودند جشن بگیرند. من حواسم به آنها بود تا اینکه چند دقیقه گذشت و دیدم که هر ۳نفرشان وسط دریا هســـتند. با اینکه بومی بودند اما ظاهرا در چاله‌ای گرفتار شده بودند و در حال غرق شدن بودند. فاصله زیادی با من داشتند و با دویدن و شنا کردن به آنها نمی‌رسیدم. کنار دریا یک قایق بود. آن را روشن کردم و خودم را به آنها رســـاندم. دونفرشان را دیدم و داخل قایق انداختم اما هرچه جست‌وجو کردم خبری از سومین نفر نبود. آنجا کانال و چاله بود و حدود ۵، ۶متر عمق داشت. در این جاها دریا افراد را به سمت خودش می‌کشد و اگر وارد نباشی حتما غرق می‌شوی. آن شب تا دیر وقت با افراد محلی در دریا تور می‌انداختیم تا شاید بتوانیم جسد پسر غرق شده را پیدا کنیم ولی فایده‌ای نداشت تا اینکه صبح روز بعد جسد در فاصله حدود ۷۰۰متری از محل حادثه روی آب آمد و پیدا شد.

وارد این بخش از دریا نشوید

اما چه بخش‌هایی از دریا بیشترین خطر را دارد و احتمال غرق شدن در آنجا بیشتر است؟ این ناجی باســـابقه می‌گوید: هیچ‌چیز دریا مشخص نیست. شاید جایی امروز کم عمق باشـــد اما یک هفته بعد عمیق شود. جریان آب ماسه‌های کف دریا را جابه‌جا می‌کند و هیچ‌چیز معلوم نیست. از طرفی بعضی جاها چاله و کانال وجود دارد و فرد را به ســـمت خودش می‌کشاند. اگر کسی در این شرایط گرفتار شود و توان خوبی نداشته باشد حتما غرق می‌شود. در این وضعیت بهتر اســـت غریق دست و پا نزند تا توانش تمام نشود و خودش را در اختیار جریان آب قرار دهد یا به سمت چپ یا راست شنا کند. اگر ما هم که نجات غریق هستیم در این شرایط گرفتار شویم کار برای‌مان سخت است.

غرق شدن‌های دسته‌جمعی

در ماه‌های اخیر خبرهای زیادی درباره غرق شدن‌های گروهی منتشر شده است. به این شـــکل که وقتی یک نفر درحال غرق شدن است نزدیکان او برای نجاتش وارد می‌شوند اما آنها نیز دچار حادثه می‌شوند و به این ترتیب ۴، ۵نفر در یک حادثه جان خود را از دست می‌دهند. اسماعیل‌پور درباره اینگونه حوادث می‌گوید: چنین حوادثی به‌دلیل این اســـت که ناجی کم است و افراد سعی می‌کنند خودشان عزیزان‌شان را از مرگ نجات دهند. مخصوصا اگر چند نفر همزمان باهم دچار حادثه شوند کار سخت می‌شود. معمولا در ســـواحل امکانات زیادی هم وجود ندارد. اول باید فردی را که شرایط سخت‌تری دارد و در حال غرق شدن است نجات داد و بعد سراغ نفر بعد رفت. کمتر کسی قبول می‌کند در این شرایط اقتصادی بیاید و ناجی شود. بیمه که نداریم و حقوق‌مان هم حدود ۶میلیون تومان است که آن را هم معلوم نیست چه‌زمانی پرداخت می‌کنند. امسال تا حالا حدود ۲میلیون تومان گرفته‌ایم و خیلی‌ها هم حقوق سال قبل‌شان را هنوز نگرفته‌اند. با وجود این من شغلم را دوست دارم. نجات جان مردم کسب‌وکار من است.

تلخ‌ترین خاطره

این ناجـــی با تجربه در همیـــن حال که از وضعیت معیشـــت خودش و همکارانش گلایه دارد به یاد تلخ‌ترین خاطره‌اش می‌افتد و آن را اینطور تعریف می‌کند: سال گذشته در ســـرخرود نجات غرق بودم. ظهر بود و شیفت من هنوز شروع نشـــده بود. تازه ناهار خورده بودم و بی‌دلیل دلم شور می‌زد. به همسرم گفتم یک سر به ساحل بروم و برگردم. چند دقیقه بعد وقتی لب دریا رســـیدم دیدم که چند نفر در دریا دست و پا می‌زنند و در حال غرق شدن هســـتند. آنها ۲زن و یک مرد بودند. زن‌ها وضعیت بدتری داشتند و اول آنها را بیرون آوردم و بعد سراغ مرد جوان رفتم اما در کمال ناباوری هر دو زن فوت شدند و مرد جوان زنده ماند. آن روز یکی از تلخ‌ترین روزهای عمرم بود و با اینکه شیفت من نبود با خودم گفتم کاش کمی زودتر از خانه بیرون آمده بودم. شاید می‌توانستم ۲زن جوان را هم نجات دهم. این خاطره تلخ هیچ وقت از یادم نمی‌رود. بارها گفته شـــده اما من باز هم از مردم خواهش می‌کنـــم در مکان‌هایی که ناجیان غریق حضور ندارند وارد دریا نشوند. همه افرادی که غرق شده‌اند فکرش را هم نمی‌کردند که دچار حادثه شوند. همه فکر می‌کنند شنا کردن‌شان خوب است و حادثه‌ای برای‌شان اتفاق نمی‌افتد اما همه‌چیز در یک لحظه است و دیگر جای پشیمانی باقی نمی‌ماند.

قاتل شوهرخواهر با تلاش خیرین و نظر رئیس قوه‌قضاییه از قصاص گریخت

درددل مرگبار

دادسرا

وقتی زنی ســـفره دلـــش را برای برادرش باز کرد و گفت شـــوهرش او را کتک می‌زند، مرد جوان نقشه قتل کشـــید و با همین اتهـــام در دادگاه به قصاص محکوم شد اما بعد از گذشت ۱۰سال، این پرونده با بخشش ولی‌دم و اعلام نظر رئیس قوه قضاییه پایان خوشی پیدا کرد.

به گزارش همشهری، ماجرای این جنایت به پاییز سال ۹۱برمی‌گردد. روز حادثه زنی با اورژانس تماس گرفت و گفت شوهرش زخمی شده است. نیروهای اورژانس پس از حضور در خانه این زن با مردی روبه‌رو شـــدند که روی گردنش آثار ضربه چاقو به چشـــم می‌خورد. زن جوان می‌گفت با شوهرش درگیر شده و پس از آن شوهرش اقدام به‌خودزنی کرده است اما وقتی معلوم شد که مرد جوان بر اثر شدت خونریزی جان باخته اســـت، امدادگران اورژانس ماجرا را به پلیس گزارش کردند.

با حضور تیم جنایی و تحقیقات اولیه مشخص شد که زن و شوهر جوان که فرزندی یک‌ساله داشتند روز حادثه با یکدیگر درگیر شده بودند. زن جوان می‌گفت که علت درگیری آنها بر سر مسائل خانوادگی بود و بعد شوهرش چاقویی از آشپزخانه برداشت و ضربه‌ای به گردن خودش زد و خون‌آلود روی زمین افتاد.

اگرچه زن جوان مدعـــی بود که اقدام شـــوهرش خودزنی بود اما تیم جنایی به او مشکوک بود، چرا که در تحقیق از همسایه‌ها مشخص شد که زوج جوان از مدت‌ها قبل با یکدیگر مشکل و اختلاف دارند و از سوی دیگر پزشکی قانونی اعلام کرد ضربه‌ای که به گردن متوفی وارد شـــده خودزنی نبوده و دگر زنی است. همین کافی بود تا دستور بازداشت زن جوان صادر شود.

حل معما

مظنون اصلی جنایت تحـــت بازجویی قرار گرفت تا اینکه کلید اســـرار قتل شـــوهرش را در اختیار کارآگاهان قرار داد.

وی گفت: برادرم با همدستی دوستش، جان شوهرم را گرفتند. این زن در ادامه توضیح داد: مدت‌ها بود که با همسرم اختلاف داشتم. او دست بزن داشت و به هر بهانه مرا به باد کتک می‌گرفت. یک روز سفره دلم را برای بـــرادرم باز و بـــرای او تعریف کردم که شوهرم آزارم می‌دهد. به برادرم گفتم که از او کینه به دل دارم و می‌خواهم از او انتقام بگیرم. برادرم وقتی متوجه وضعیت زندگی‌ام شد، گفت می‌خواهد هر طور شـــده خودش انتقام بگیرد. وی ادامه داد: روز حادثه برادرم به همراه یکی از دوستانش به خانه‌ام آمد. آن روز وقتی شوهرم در خواب بود دوست برادرم پای او را گرفت و برادرم بـــا چاقو ضربه‌ای به گردن وی زد. ســـپس از من خواســـتند تا داستان‌سرایی کنم اما درنهایت دستم رو شـــد. با اعتراف این زن، برادر و دوست وی بازداشت شـــدند و پس از مدتی هر ســـه در دادگاه کیفری پای میز محاکمه رفتند. با حکم دادگاه برادر زن مقتول به قصاص و ۲ متهم دیگر پرونده یعنی همســـر مقتول و دوســـت قاتل به اتهـــام معاونت در قتل به زندان محکوم شـــدند. طولی نکشـــید که احکام صادر شده در دیوان عالی کشور تأیید شد و پرونده در اختیار دادیار شعبه دوم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران قرار گرفت تا شـــرایط قصاص عامل جنایت فراهم شود. از سوی دیگر با توجه به اینکه مقتول فرزند صغیر داشـــت و جد پدری فوت شـــده بود پرونده به لحاظ تعیین تکلیف درباره سرنوشـــت قاتل بـــه دفتر رئیس قوه قضاییه فرستاده شد چرا که فرزند صغیر مقتول، ولی دم محسوب می‌شد اما چون به سن قانونی نرسیده بود نمی‌توانســـت اظهارنظری کند. در این شرایط چنانچه جد پدری فوت شـــده باشد، قاضی‌القضات باید نظرشان را درباره سرنوشت قاتل تعیین کنند. از ســـوی دیگر تلاش تیم صلح و سازش دادسرای جنایی تهران برای رضایت گرفتن از ولی دم که حالا مادر مقتول محسوب می‌شـــد ادامه داشت تا اینکه مادر مقتول رضایت خـــود را اعلام کرد و در اقدامی خداپسندانه قاتل پسرش را بخشید. اما هنوز پرونده درخصوص فرزند صغیر مقتول تعیین تکلیف نشده و از دفتر رئیس قوه برنگشـــته بود. سرانجام پرونده به ایســـتگاه پایانی رســـید و پرونده از دفتر رئیس قوه قضاییه به دادســـرا برگشت. براساس نظرقاضی القضات، عامـــل جنایت از قصاص رهایـــی یافته و باید دیه پرداخت می‌کرد امـــا توانایی پرداخت دیه را نداشـــت که با تلاش تیم صلح و سازش و کمک خیرین و خانـــواده قاتل مبلغ دیه فراهم شـــد و او توانست پس از گذشت ۱۰سال از جنایت، از زندان آزاد شود. این در حالی اســـت که همسر مقتول که دوران محکومیتش پایان یافته از زندان آزاد شده اما متهم ردیف سوم همچنان در زندان است تا به‌زودی دوران محکومیتش پایان یافته و آزاد شود.

اتهام سنگین برای مادر حواس‌پرت

مرگ دختر ۶ ماهه در ماشین داغ

زن جوان اهل لوئیزیانای آمریکا که پس از رها کردن دختربچه ۶ماهه‌اش در ماشین باعث مرگ او شده بود به قتل درجه دوم متهم شد. این زن ۳سال پیش نیز فرزند ۲ماهه خود را در ماشین داغ رها کرده بود اما در آن زمان با حضور بموقع پلیس، فرزند وی نجات یافت.

به گزارش همشهری به نقل از ای‌بی‌سی نیوز، یکشنبه هفته گذشته مأموران پلیس لوئیزیانای آمریکا به‌دنبال دریافت تماس کمک‌خواهی یک زن راهی خیابانی در منطقه کالکاسیو شدند. زنی ۲۲ساله به نام آیوی درحالی که کنار یک خودروی شاسی‌بلند ایستاده و دختربچه ۶ماهه‌ای را در آغوش کشیده بود، ادعا می‌کرد که دخترش نفس نمی‌کشـــد. ماموران پلیس دختربچه خردسال را به سرعت به بیمارستان منتقل کردند اما تلاش پزشکان برای نجات او فایده‌ای نداشت و آنها اعلام کردند که وی جانش را از دست داده است. زن جوان در ابتدا مدعی بود که دخترش به‌طور ناگهانی جان باخته است اما وقتی پزشکان اعلام کردند که دختر ۶ماهه بر اثر کمبود اکسیژن و گرمای شدید جانش را از دست داده اســـت، راز هولناکی فاش شد. در ادامه تحقیقات معلوم شد که دختر خردسال قربانی سهل‌انگاری مادرش شده اســـت. این ماجرا وقتی لو رفت که مقداری ماده مخدر ماریجوانا در خودروی آیوی(مادر ۲۲ساله) کشـــف و معلوم شد که وی ۵ساعت تمام دختر خردسالش را در ماشین و در گرمای ۳۴درجه رها کرده است. دفتر کلانتری منطقه کالکاسیو اعلام کرد: آیوی پس از آنکه دختربچه ۶ماهه‌اش را در داخل ماشین رها می‌کند، وارد محل کارش می‌شود و حتی یکی از همکارانش دقایقی بعد به او تذکر می‌دهد که فراموش کرده ماشینش را خاموش کند. پس از آن آیوی به ماشین برمی‌گردد و آن را خاموش می‌کند و دوباره به محل کارش برمی‌گردد. او از ساعت ۱۰:۳۰ تا ۱۵:۳۰ دخترش را در هوای گرم ۳۴درجه در داخل ماشین و درحالی‌که شیشه‌های ماشین بالا بود، رها می‌کند و همین باعث می‌شود که دختربچه بی‌گناه بر اثر گرما و خفگی جانش را از دست بدهد.

بنا بر اعلام دفتر کلانتری، این نخستین باری نیست که آیوی دست به این کار زده است. براساس گزارش‌ها، در ســـال ۲۰۱۹ نیز این زن درحالی‌که دختری ۲ماهه داشته، او را در داخل ماشین و در هوای گرم رها می‌کند و به داخل پارکی در همان حوالی می‌رود. ساعتی بعد، مأموران پلیس که در حال عبور از آنجا بودند، متوجه دختر ۹ماهه می‌شوند که در داخل ماشین در حال گریه کردن است و با شکستن شیشه ماشین او را نجات می‌دهند. آنها دقایقی بعد آیوی را درحالی‌که در داخل پارک در حال کشیدن سیگار بود پیدا و وی را دستگیر می‌کنند. در آن زمان دادگاه این زن را لایق سرپرستی دخترش ندانسته و به این ترتیب سرپرستی دختر ۲ماهه به خواهر بزرگ آیوی واگذار و مادر حواس‌پرت آزاد می‌شود. براساس این گزارش، پس از به‌دست آمدن این اطلاعات زن جوان بازداشت و پرونده او به مرکز اصلاح و تربیت منطقه کالکاسیو فرستاده و وی از سوی قاضی به قتل درجه دو متهم شد. قاضی همچنین با صدور وثیقه یک‌میلیون و ۲۰۰هزار دلاری برای متهم کاری کرد که وی نتواند تا زمان محاکمه‌اش از زندان آزاد شود و احتمال می‌رود که این زن در دادگاه با مجازاتی شدید روبه‌رو شود.

کوتاه از حادثه

دستگیری عامل شهادت مأمور پلیس

مرد شروری که در جریان تیراندازی به‌ســـوی یکی از مأموران پلیس او را به شهادت رسانده بود ۲ماه پس از جنایت دســـتگیر شد.

به گزارش همشـــهری، ســـاعت ۲۱:۴۸ جمعه مورخه ششـــم خردادماه، اشرار مســـلح در جریان تیراندازی به سمت خودروی شخصی ســـرهنگ دوم عباس راه انجام، یکی از مأموران جان برکف پلیس پیشـــگیری شهرستان دلگان که به همراه خانواده، در مسیر ایرانشهر به دلگان بود وی را به شهادت رسانده و متواری شـــدند. از آن روز تاکنون دستگیری عامل این جنایت به‌طور ویژه در دســـتور کار مأموران پلیس قرار گرفت تا اینکه سرانجام توانستند او را دستگیر کنند.

سردار احمدطاهری، فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان در این‌باره گفت: تیم رسیدگی کننده به پرونده با تلاش شبانه روزی خود مرد شرور را شناسایی کردند و معلوم شد که او یکی از اشرار معروف منطقه است که بارها دست به راه‌بندی، سرقت مسلحانه، تیراندازی و اخاذی کرده اســـت و همراه تعدادی از همدستانش به‌صورت مسلحانه دست به شرارت می‌زند. تحقیقات در این‌باره ادامه داشت تا اینکه او هنگام تردد در جاده بزمان به شهرستان ریگان استان کرمان در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر شد.

او در بازجویی‌هـــای مقدماتی به معاونت در شـــهادت شـــهید عباس‌راه‌انجام اعتراف کرد و تحقیقات در این‌باره ادامه دارد.

انفجار پاوربانک خانه‌را به آتش کشید

انفجار پاوربانک در خانه‌ای که هیچ‌کدام از ساکنان آنجا حضور نداشتند آتش‌سوزی بزرگی به‌راه انداخت.

به‌گزارش همشهری، این حادثه نیمه شـــب یکشنبه در طبقه دوم خانه‌ای سه طبقه واقع در یکی از محلات شیراز اتفاق افتاد و به‌دنبال آن گروهی از آتش‌نشـــانان برای اطفای حریق خود را به آنجا رساندند. محمدهادی قانع، رئیس آتش‌نشانی شیراز در این‌باره گفت: وقتی آتش‌نشانان به محل حادثه رسیدند آتش در حال گسترش بود و دود زیادی فضای ساختمان را در بر گرفته بود. همکارانم پس از قطع جریان اصلی برق و گاز ســـاختمان و ایمن‌سازی کامل، به‌دلیل نبودن ســـاکنان از طریق پنجره وارد آنجا شـــدند و با به کارگیری لوله‌های آبدهی عملیات مهار آتش را آغاز کردند.

او ادامه داد: با تلاش همکارانم دقایقی بعد آتش‌سوزی به‌طور کامل مهار شد و در این حادثه به هیچ‌یک از ساکنان ساختمان مسکونی آسیبی وارد نشـــد. وی درباره علت حادثه گفت: براساس اعلام کارشناسان آتش‌نشانی اعزامی به محل، این حادثه در زمانی که ساکنان در منزل نبودند و به‌دلیل بروز انفجار پاوربانک که در حال شارژ بود رخ داد. وی به شهروندان توصیه کرد که در زمان نبودن در منزل هیچ‌گاه گوشی موبایل و پاور بانک را در حالت شارژ رها نکنند و قبل از خروج آن را از برق جدا کنند.

بازداشت یک زن در ماجرای قتل مهندس ساختمان

با گذشت ۵سال از قتل مهندس ســـاختمانی که به‌تنهایی در آپارتمانی در پایتخت زندگی می‌کرد، ردپای یک زن آشـــنا در جنایت به‌دست آمد و او بازداشت شد.

به گزارش همشهری، مقتول مردی ۴۶ســـاله بود که همسر و فرزند او در آمریکا اقامت داشـــتند. مرد جوان هر روز با همسر و فرزندش در ارتباط بود اما از نهم اسفندماه همسرش هرچه با او تماس می‌گرفت پاسخی دریافت نمی‌کرد. وی که نگران شده بود با شوهرخواهرش تماس گرفت و از او خواست سری به خانه‌شان بزند و خبری از شوهرش بگیرد.

شوهرخواهر این زن که کلید یدکی خانه را داشت، خودش را به آنجا رساند و پس از ورود به خانه با جسد غرق در خون باجناقش در اتاق خواب مواجه شـــد. در این شـــرایط بود که ماجرای این حادثه به پلیس و قاضی جنایی اعلام شد و تیمی از کارآگاهان راهی محل حادثه شـــدند. در ابتدا ماموران به تحقیق از باجناق مقتول پرداختنـــد. او گفت: مقتول، مهندس ســـاختمان بود و از زمانی که همســـر و دخترش برای زندگی به آمریکا رفته‌اند تنها زندگی می‌کرد. من و همسرم هرازگاهی به او سر می‌زدیم و برایش غذا می‌بردیم امـــا امروز وقتی به خانه‌اش رســـیدم با دیدن جسد او شوکه شدم. در ادامه تحقیقات مشخص شد که ۲روز از زمان مرگ می‌گذرد و دلارهایی که در خانه مقتول بوده سرقت شده است. همچنین مأموران به جست‌وجو در خانه وی پرداختند و یک دســـت لباس زنانه پیدا کردند که آثار لکه‌های خون روی آن وجود داشت اما متعلق به مقتول نبود. از سوی دیگر با توجه به سالم بودن قفل در، فرضیه جنایت از سوی یک آشنا با انگیزه سرقت قوت یافت. در ادامه، چند مظنون در این پرونده دستگیر شـــدند اما هیچ مدرکی علیه آنها نبود و همه‌شان آزاد شدند. تحقیقات در این پرونده برای کشف اسرار جنایت کماکان ادامه داشت تا اینکه در تازه‌ترین تحقیقات پلیسی، ردپای یک زن آشنا در این جنایت به‌دســـت آمد. آنطور که پلیس دریافته، زن آشنا روز حادثه در اطراف خانه مقتول دیده شده بود. او روز حادثه به همراه همسرش در اطراف خانه مقتول پرسه می‌زدند و این فرضیه مطرح شده که احتمالا زن جوان به همراه همسرش وارد خانه شده و سپس زن جوان در جدال با آقای مهندس، وی را به قتل رسانده و بعد با همدستی شوهرش دلارهای مقتول را سرقت کرده‌اند. به دست آمدن این سرنخ‌های تازه موجب شد زن آشنا بازداشت شود. او دیروز برای تحقیق به شعبه دوم دادسرای جنایی تهران منتقل شد و درحالی‌که اشک می‌ریخت، به بازپرس محمد وهابی گفت: مقتول از اقواممان بود که هرازگاهی به همراه شـــوهرم به خانه‌اش می‌رفتیم و به او سر می‌زدیم. چون همسر و فرزندش نبودنـــد و او تنها زندگی می‌کـــرد گاهی برایش غذا می‌بردیم و اصلا از ماجرای قتل خبر ندارم. حتی شوهرم نیز از جزئیات قتل بی‌اطلاع است و ما نقشی در جنایت نداریم. در این شرایط بازپرس محمد وهابی دستور داده تا بررسی‌های تخصصی درباره اینکه لکه‌های خون متعلق به این زن بازداشت‌شده است یا نه صورت بگیرد تا شاید اسرار این جنایت فاش شود.